

Oral History Used for Hearing from Silent Social Classes

Mohsen Kazemi*

Morteza Nouraei**, Reza Shabani Samghabadi***

Abstract

Being democratic is one of the most outstanding features of oral history, so it can cover the concerns of all walks of society. Also, since oral history does not suffer from the bottlenecks of other historical disciplines regarding coverage of a phenomenon, it can be decentralized from historiography and be extended to ordinary people. Until the second decade of the twentieth century and the active emergence of the Annales school, historiography would often overlook ordinary people and lower classes of society. Since then, especially over the past seven decades, oral history, combined with other modern styles, has made great efforts to steer historiography from elitism and centralism to multiple social aspects. The purpose of this study is to expose the place and status of oral history in social history, therefore, it has addressed two basic questions: 1) Why should the lower classes and the neglected or less seen groups of society be brought back into the spotlight of history? 2) How can oral history materialize the process of democratization and decentralizing history? For this purpose, the present study has touched upon a number of these neglected classes in history and examined and evaluated their conditions and the way in which oral history interacts with them.

Keywords: Oral History, Social History, Decentralization, lower Classes, History Therapy, Historical health

* PhD student of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, mkazemi69@yahoo.com

** professor of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

*** professor of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, m4.rezashabani@gmail.com

Date received: 28/02/2021, Date of acceptance: 08/04/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش

محسن کاظمی*

مرتضی نورائی**، رضا شعبانی صمغ‌آبادی***

چکیده

از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ شفاهی دموکراتیک بودن آن است، بنابراین می‌تواند دربرگیرنده مسائل طبقات مختلف اجتماعی باشد. نیز از آن‌جا که تاریخ شفاهی دچار تنگناهای سایر گرایش‌های تاریخ در حیطه پوششی موضوع نیست، می‌تواند از تاریخ‌نگاری مرکزیت‌زدایی کرده و آن را به سمت مردم معمولی توسعه دهد. تا پیش از دهه دوم قرن بیستم میلادی و ظهور فعال مکتب آنال، تاریخ‌نگاری توجه چندانی به مردم معمولی و گروه‌های فرودست جامعه نداشته است. از آن پس به‌ویژه طی هفت دهه گذشته تاریخ شفاهی به همراه دیگر سبک‌های روزآمد، تلاش بسیاری صورت داده است تا تاریخ‌نگاری را از نخبه‌گرایی و مرکزیت‌گرایی به سویه‌های متنوع اجتماعی راهبری کند. هدف این پژوهش روشن نمودن جای و جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ اجتماعی است، از این‌رو با دو پرسش اساسی مواجه بوده است که: ۱. چرا باید طبقات فرودست و گروه‌های نادیده و یا کمتر دیده شده جامعه را به کانون توجه تاریخ بازگرداند؟ ۲. تاریخ شفاهی چگونه می‌تواند فرایند آزادسازی (democratisation of history) و مرکزیت‌زدایی (decentralization of history) را عملی کند؟ برای این منظور به سراغ تعدادی از این طبقات مغفول در تاریخ رفته و وضع و موقعیت آن‌ها و نحوه تعامل تاریخ شفاهی با آنان را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران،

mkazemi69@yahoo.com

** استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

*** استاد گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،

m4.rezashabani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸



کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی، مرکزیت زدایی، طبقات فرودست، تاریخ درمانی، بهداشت تاریخی.

۱. مقدمه

ولتر می‌نویسد: «ما فقط تاریخ پادشاهان را نوشته‌ایم نه تاریخ مردم را. گویی در طی ۱۴۰۰ سال در سرزمین گل (Gauls) تنها پادشاهان، وزیران و فرماندهان می‌زیسته‌اند. اما آیا سنت‌ها، قوانین، آداب و افکار ما ارزشمند نیست؟» (دوس، ۱۳۹۶: ۱۱۸). قرن‌ها تاریخ پیوسته صحنه نمایش درخشش تاج و تخت پادشاهان، تهاجم جنگاوران و ترکانازی متخاصمان، قدرت‌نمایی فاتحان و ثبت چشم‌زخم‌های شکست‌خوردگان بوده است. بدین صورت صفحات تاریخ سرشار از ستمی است که به طبقات و گروه‌های فرودست روا داشته شده است. گروه‌هایی که قدرت حاکم همواره آن‌ها را خاموش و مطیع ساخته است. با گسترش مطالعات جامعه‌شناسی، افزایش مهارت‌های پژوهشی علوم اجتماعی و تحول در نگرش‌های تاریخی و تاریخ‌نگاری، بین تاریخ و جامعه‌شناسی رابطه علمی ایجاد شد. در چنین وضعی نتایج پژوهش‌های اجتماعی توانست صفحاتی از تاریخ را به خود اختصاص دهد. در لابه‌لای موضوعات مختلفی که فرصت دیده شدن در تاریخ یافتند، مسئله طبقاتی بود که به حاشیه رانده شده بودند، گروه‌هایی مانند: زنان، کارگران، مهاجران، پناهندگان و قربانیان پاکسازی نژادی. تاریخ شفاهی کم‌وبیش توانسته چنین طبقاتی را از زیر خاکستر زمان بیرون کشد و روایت‌گر زندگی و رنج‌های آنان در اوراق تاریخ باشد. با نگاه به تاریخچه تاریخ شفاهی می‌توان دریافت که این نحله تاریخ‌نگاری در مراحل مختلف طی هفتاد سال اخیر توانسته است در تقویت مرکزیت‌زدایی تاریخ نقش مؤثری داشته باشد. این مهم را می‌توان در کارنامه تحرک اجتماعی زنان، کارگران، بومیان، پناهندگان و نظایر آن مشاهده کرد. از این روست که تاریخ شفاهی به درستی تاریخ جهان‌های خاموش نام گرفته است. این وضع ناشی از توانایی و خصلت انتقادی تاریخ شفاهی است، و همین خصلت طبقات نادیده را مطرح ساخته است. امروزه می‌توان رویکرد و کاربست‌های تاریخ شفاهی را در بیشتر جنبه‌های حیات اجتماعی ملاحظه کرد، و در هر رشته از مطالعات علوم انسانی می‌توان از ظرفیت‌های تاریخ شفاهی بهره برد. این بهره فقط مختص ثبت وقایع زمان‌مند همان رشته نیست، بلکه تسهیل‌کننده درک و دریافت معانی و تفاسیر نهفته در آن‌ها نیز است.

به صدا در آوردن طبقات ساکت و مستوران جامعه می‌تواند یکی از اهداف متعالی، سازنده و الهام‌بخش تاریخ شفاهی باشد. گروه‌هایی که در زمان‌های متمادی فقط می‌شنیدند و می‌دیدند، با سازو کارهای تاریخ شفاهی به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، طبقات مختلف مؤثر در وقایع، رویدادها و پدیده‌ها امکان دیده شدن و شنیده شدن یافتند. این گروه‌ها فرصتی و توانی یافتند تا از وضع و نقش خود در جامعه و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی خود سخن بگویند.

در این پژوهش کوشیده شده است، تا به نقش تاریخ شفاهی در مطالعات اجتماعی پرداخته شود. برای این منظور ضمن بررسی و تحلیل متون اصلی تاریخ شفاهی، از مصاحبه‌هایی که در همین راستا به سال ۲۰۱۵م با تعدادی از صاحب‌نظران و استادان تاریخ شفاهی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی جهان صورت گرفت، استفاده شده است.

۲. تحول در تاریخ‌نگاری

پس از جنگ جهانی اول، در تاریخ‌پژوهی تحولات ژرفی روی داد. پیش از این در سال ۱۹۲۹ لوسین فور و مارک بلوخ با انتشار مجله *آنال* چالش گسترده‌ای با سنت تاریخ‌نگاری پی‌ریز کردند. آنان قصد داشتند با استفاده از تاریخ، علوم اجتماعی را در امتداد گذشته نیز مورد تفحص قرار دهند. مجله *آنال* وظیفه خود می‌دانست که میان مورخان حرفه‌ای، اقتصاددانان، جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان ارتباط برقرار کند. (دوس، ۱۳۹۶: ۶۶)

مکتب *آنال* گفتمان متعصب تاریخ را برتافت، و به سراغ موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رفت. تحول در تاریخ‌نگاری محدود به آنالیست‌ها نماند، و پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۸ توسط آلن نوینز مورخ دانشگاه کلمبیا روشی برای حفظ و انتشار اطلاعات تاریخی رواج یافت که گرچه در ابتدا «به‌عنوان روشی برای جمع‌آوری یادگفتارهای رهبران سیاسی، دولتمردان و محققان دانشگاهی جهت استفاده مورخان آینده، و به عنوان ابزار تحقیق برای تنظیم سرگذشت‌های شفاهی» در نظر بود. (Dunaway, 1996: 8) اما پس از یکی دو دهه، نسل بعدی شفاهی‌کاران آن را به تمام بخش‌های جامعه بویژه طبقات به حاشیه رانده شده، جنبش‌های سرکوب شده و گروه‌های ساکت جامعه تسری دادند.

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، دوره‌ای از تغییرات گسترده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، که در پی آن نسل جدیدی از محققان به وجود آمدند که بسیاری از

نخبه‌گرایی و تمرکزگرایی ذاتی در سنت تاریخ‌نویسی را رد کردند. تاریخ شفاهی شروع به نقش مهمی در توانمندسازی و «صدا دهی» به مردم عادی داشت، و آن‌ها را به عنوان بازیگران کمک‌کننده در روند تغییر و تداوم در صحنه تاریخی مشاهده کرد. (Nishimoto, 2007)

بازگشت صدا به مردم معمولی فلسفه‌ی اصلی تاریخ شفاهی است. جهان‌های گم‌شده و ساکت به مدد شفاهی‌کاران پا در دنیای مشارکت اجتماعی گذاشتند، صدهای بی‌رمق جان گرفتند.

مرکزیت این کانون‌ها به طور عمده زنان، کارگران و افراد کم‌سواد یا بی‌سواد بودند که توانایی ثبت خود در تاریخ را نداشتند؛ به تبع، آن‌چه که تاریخ از منظر قاعده‌ی اجتماع، تاریخ فرودستان، و تاریخ فرمانبران نام گرفت، مورد توجه واقع شد. (نورائی، ۱۳۹۲: ۵)

تاریخ شفاهی به مدد روش‌ها و استفاده از فناوری‌ها توانست خلاء منابع را پر کند و تاریخ را نفس‌نفس‌زنان به پای سرعت تحولات سیاسی و اجتماعی برساند. به این ترتیب به موازات افزایش مهارت‌ها و تکامل تکنیک‌های جدید منابع رو به تزاید گذاشتند. حال افراد بی‌سواد هم امکان ثبت خاطرات خود را یافتند. حتی کسانی که با وجود داشتن سواد توان نوشتن تاریخ خود را نداشتند به تاریخ شفاهی گرایش یافتند تا خاطرات و مشاهدات‌شان را ثبت کنند. «بدین‌سان، بخش‌های تازه‌ای از حوزه‌ی تاریخی، بویژه در تاریخ اجتماعی، به روی مطالعه‌ی مورخ باز» شد. (استنفورد، ۱۳۸۸)

نسل جدیدی از محققان، که تاریخ را از «پایین به پایین» و نه از «بالا به پایین» دنبال می‌کردند، نوشتن و بازنگاری تاریخ را از منظر کسانی که محروم بودند، و نه از دیدگاه نخبگان آغاز کردند. (Griffin, 1989: 4)

محبوبیت تاریخ شفاهی به عنوان یک ابزار تحقیق در دهه ۱۹۸۰ با افزایش علاقه به تاریخ اجتماعی و «تاریخ از پایین» احیا شد. مورخین حقوق مدنی و اتحادیه‌های صنفی و فمینیسم، نیز تاریخ شفاهی را ابزاری در جهت توانمندسازی افرادی می‌دانستند که تاکنون از سوابق تاریخی پنهان مانده بودند. (McCubbin, 2010)

بدین‌صورت تحول در تاریخ‌نگاری و به طنین انداختن صدای خاموشان جامعه، با همراهی بینارشته‌ای میان تاریخ شفاهی و دیگر رشته‌ها ممکن شد. چنانکه لیخت‌بلاو استاد دانشگاه سالزبورگ اتریش می‌گوید: «اگر نگاهی به سازمان‌های تاریخ شفاهی داشته باشید، همکارانی از رشته‌های مختلف مانند مردم‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و

غیره پیدا می‌کنید. تمام این رشته‌ها زبان، روایات، ارتباطات و غیره را مورد تحلیل قرار می‌دهند. (Lichtblau, 01/06/2015)

استیو استاد بازنشسته و مدیر گروه تاریخ شفاهی دانشگاه کانکتیکات آمریکا نیز طی مصاحبه‌ای بر همکاری بینارشته‌ای تأکید دارد:

به طور قطع پژوهشگران رشته‌های مختلف از تکنیک‌های تاریخی شفاهی استفاده می‌کنند و می‌توانند نظرات خود را به اشتراک گذارند. یکی از جدیدترین و موفق‌ترین پروژه‌هایی که در آن کار کردم مطالعه گروه‌های قومی آمریکا بود، از دلایل موفقیت این پروژه همکاری جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و متخصصان آموزش و پرورش بود. (Stave, 2015/06/19)

۳. تاریخ شفاهی تاریخ دموکراتیک

از ویژگی‌های مهم تاریخ شفاهی جنبه دموکراتیک بودن آن است، و از این‌روست که نسبت به سنت تاریخ‌نگاری پیش‌مدرن و مدرن می‌تواند بهتر عمومیت یابد، و ابعاد بیشتری از هست و زیست گروه‌های اجتماعی مختلف را در بر گرفته و از فضای گفتمانی مرسوم ساختارمند سر برون نهاد.

تاریخ شفاهی به دلیل نگرش تاریخ‌نگاری از پائین، یا به عبارتی تاریخ‌نگاری دموکراتیک دارای روش عمومی‌سازی تاریخ است. بینش تاریخ از پائین مختص تاریخ شفاهی نیست، به‌واقع می‌توان گفت از دهه‌ی دوم قرن بیستم با ظهور مکتب آنال، و جنبه‌های مختلف اجتماعی تاریخ‌نگاری، توجه به طبقات مختلف جامعه روش و رویکردی نو در تاریخ‌نگاری را ایجاد کرد. این روند با ظهور تاریخ شفاهی از میانه قرن بیستم شتاب بیشتری گرفت، و توانست در مقام عمل و نظر «تاریخ از پائین» یا تاریخ مردم معمولی را جامه عمل بپوشاند.

روش‌شناسی تاریخ شفاهی زمانی مشروعیت خود را به دست آورد که تبدیل به ابزاری برای جمع‌آوری داده‌ها و دموکراتیک‌سازی تفسیر و نوشتن تاریخ در بین مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی گردید. (Nishimoto, 2007) این مشروعیت با اقبال گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه مواجه شد و مقبولیت یافت، و در تمام شقوق اجتماعی و فرهنگی ره جست، تا داستان زندگی همگان را روایت کند.

تاریخ شفاهی به‌عنوان تاریخ اجتماعی، از سوی دیگر تاریخ فرهنگی قلمداد می‌شود، و در بردارنده وجوه کیفی جامعه، و راه ورود به همه گرایش‌های علمی و اجتماعی است. نسل دوم آنالیست‌ها چنین رویکرد بینارشته‌ای را جدی‌تر در پیش گرفتند و تحلیل ساختاری گذشته را در این چارچوب مورد مذاقه قرار دادند که برای تاریخ جایگاه رفیعی قائل بود. مکتب آنال که از زبان‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد و حقوق در تحلیل تاریخ بهره می‌گرفتند، بخش مهمی از اطلاعات مربوط به موضوعات زمانی بی‌واسطه خویش را از طریق مصاحبه‌ها و یا نتایج پرسش‌نامه‌ها به دست می‌آوردند. (رضوی، ۱۳۸۶: ۱۹)

تاریخ شفاهی با هیچ گروه و موضوعی در سپهر اجتماعی و فرهنگی، تبعیض‌آمیز برخورد نداشته، در این روش تاریخ‌نگاری جنسیت، نژاد، قوم، طبقه، سن، تمکن، موقعیت و شغل رنگ می‌بازند. رویدادها و وقایع زمان‌مندی که در ذهن و خاطر سیال مداخلان، عاملان و شاهدان آن باقی مانده، اصل و معیار است، که شانس و شأن ظهور در تاریخ می‌یابند.

درک فلسفی جنبش تاریخ شفاهی ناشی از تمایلات آزادانگاری حرکت تاریخ اجتماعی است. پرسش‌های برآمده از وضعیت سفیدپوستان، جنبش حقوق مدنی در اعتراض به جنگ ویتنام، و جنبش‌های فمینیستی در تاریخ امریکا، تاریخ پژوهان اجتماعی را به یافتن مسائل جوامع چند نژادی و چند قومی با توجه بر روابط طبقاتی ترغیب کرد. بنابراین «تاریخ شفاهی، ابزاری قابل دسترس و کاربردی برای صحبت با هر شخصی و یک ابزار ساده برای مستند ساختن زندگی افراد معمولی بود.» (شارپلس، ۱۳۹۴: ۱۴)

شفائی استاد دانشکده مطالعات آسیای دور و آفریقای دانشگاه سواز لندن بر این نظر است که مستندات تاریخ شفاهی با اضافه کردن نوای بومی به تاریخ فرهنگ‌های غیر غربی در کشورهای انگلیسی زبان باعث تنوع در دیدگاه غرب محور تاریخ می‌شود. در حالی که پیش از این مورخان غربی در مطالعات آسیایی یا شرق دور، تاریخ سایر ملل را از چشم‌انداز خاص فرهنگی خودشان و اغلب از چشم‌اندازی سیاسی می‌نوشتند؛ حال با کمک تاریخ شفاهی می‌توان صدای بازیگران اصلی را در رویدادهای تاریخی مختلف شنید. (Shafaie, 06/07/2015)

صداهای مختلف و متکثر، تفاسیر و تأویل‌های متنوع و رنگارنگی را در پی دارد. هرصدایی از هر گوش نیوشایی می‌تواند تفسیر متفاوتی از شنونده دیگری داشته باشد. این

امر دامنه معرفتی تاریخ را گسترش داده و موجبات تعامل منعطف‌تری در مواجهه با فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را فراهم کند.

رهبران جریان آزادسازی تفسیر و نوشتن تاریخ، برآنند که تئوری‌ها و فرایندهای درگیر در تاریخ شفاهی، خود نمایانگر مؤلفه‌های مهم معرفت‌شناختی رشته تاریخ هستند. این موافقان، تاریخ شفاهی را نه منزله روشی برای استناد منبع اولیه، بلکه به عنوان روشی برای ساخت و انتقال تاریخ از منابع شفاهی می‌دانند. (Dunaway, 1996: 8-9)

شالوده‌شکنی چارچوب‌های سنتی تاریخ‌نگاری و خلق فرصت برای شنیده‌شدن همه‌ی طبقات و گروه‌ها و آحاد جامعه، می‌تواند زوایای پنهان و مغفولی از شرایط و علل موجد و مبقیه وقایع، رخدادها و پدیده‌های اجتماعی را روشن نماید. این خود گام مستحکمی برای مشارکت تاریخی و در نتیجه اجتماعی و حتی سیاسی باشد.

طرفداران رویکرد تاریخ شفاهی، استدلال می‌کنند که با گفت‌وگوی مستقیم با مردم در مورد خاطرات‌شان، جنبه‌هایی از زندگی گذشته‌شان فاش می‌شود که به دلیل کمبود مستندات و سوابق عمومی، ممکن است نادیده گرفته شود. آن‌ها همچنین به نوعی تاریخ‌سازی، که در صدد بیان صداهای عادی و حاشیه‌ای در مطالعات دوران پیری، کودکی، قومیت، آموزش، جنسیت، استعمار، مهاجرت، مقاومت و هویت تعهد دارند. (Bornat, 2012: 4)

۴. توانمندسازی اجتماعی در برابر آسیب‌ها و تروما

رابطه بین تاریخ و جامعه نباید یک سویه باشد. بلکه باید مجموعه‌ای از تبادلات و دیالکتیک میان اطلاعات و تفسیر، میان آموزگاران و موقعیت‌شان و میان طبقات و نسل‌ها باشد. برای انواع مختلف تاریخ شفاهی این امکان هست که با پیامدهای مختلف اجتماعی مواجه شوند. اما در پایین قاعده اجتماعی همه آنها با هم مرتبط هستند. تاریخ شفاهی تاریخی است که پیرامون مردم بنا می‌شود، و زندگی روزمره را نیز به درون تاریخ وارد کرده و دامنه آن را گسترش می‌دهد. قهرمانان را نه فقط از سوی رهبران، بلکه از طرف اکثریت ناشناخته مردم بازنگاری می‌کند. معلمان و دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که با هم همکاری کنند. تاریخ را به درون و بیرون جامعه وارد می‌کند. افراد کم‌برخوردار، به ویژه افراد مسن را در یافتن عزت و اعتماد به نفس کمک می‌کند. این امر سبب ارتباط و تفاهم میان طبقات و لایه‌های اجتماعی و میان نسل‌ها می‌شود. در میان مورخان و دیگر پژوهشگران معانی

مشترک همراه با حس تعلق خاطر به مکان یا موقعیت ایجاد می‌کند. خلاصه این‌که تاریخ شفاهی باعث می‌شود که انسان‌های کامل‌تری وجود داشته باشند. به همین ترتیب تاریخ شفاهی برای اسطوره‌های پذیرفته شده تاریخ، برای قضاوت اقتدارگرایانه ذاتی سنت خود، چالشی ایجاد می‌کند، و ابزاری است برای دگرگونی بنیادی در معانی اجتماعی تاریخ. (Thompson, 1988: 28)

از سوی دیگر عقیده بر آن است که از هر عضو اجتماع و فرهنگ تنها با شنیدن و ضبط مصاحبه‌ها می‌توان مسائل بسیاری را آموخت. (Polsky, 27/05/2015) راه غلبه بر مشکلات و معضلات جامعه دانایی است، و از این‌رو تاریخ شفاهی با به اشتراک‌گذاری دستاوردهای فکری و تجربی، سبب افزایش دانایی جامعه و «بهداشت تاریخی» می‌شود.

از مهم‌ترین کارکردهای تاریخ شفاهی همچنین جنبه توانمندسازی افراد و طبقات، و نیز درمان رنج‌دیدگان و بیماران و دردکشیدگان است. وقتی این طیف از آسیب‌دیدگان جامعه به پای مصاحبه تاریخ شفاهی می‌نشینند، بار ذهنی خود را بر زمین می‌گذارند. بنابراین در آن‌ها نوعی احساس سبکی پدید می‌آید. آنان با بازکردن سینه پر درد خویش و بیان دردها، مصائب و مضاعف، به شکلی خود وجودی‌شان را به همراه همه آلام و دردها با دیگران به اشتراک می‌گذارند؛ نه آیا این همان «تاریخ درمانی» (historiotherapy) است؟

در کنفرانس فوریه ۲۰۱۴ مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی عرب، نکته و سؤالاتی در باب تاریخ شفاهی مطرح شد که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم در غرب شکل گرفته بود. «غالباً، کسانی که رنج کشیدند، تبعید شدند، یا در برابر قدرت مقاومت کردند، از تاریخ مکتوب محروم هستند. چه کسی برای این افراد بدون سابقه، تاریخ‌سازی می‌کند؟ چگونه می‌توان تجربیات ایشان را تاریخ‌سازی کرد؟ این پرسش‌ها در کنفرانس به بحث گذاشته شد و در اعلامیه پایانی نیز درج و تأکید شد که از تاریخ شفاهی به منظور فراهم آوردن تاریخچه برای کسانی که در اشغال رنج می‌برند، استفاده شود. (ACRPS Conference Announcement)

حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و افراد کم‌توان در تاریخ شفاهی به اشکال مختلفی روی می‌دهد. تاریخ شفاهی علاوه بر رویکرد جبران و سازش می‌تواند با رویکرد درمانی با ترومای افراد مواجه شود. وقتی کسی مصاحبه می‌کند توجهات را به سوی روایت‌ها، خاطرات و مواضع و تفاسیر خود جلب می‌کند. او در حرکت سینوسی روایت‌زویایی از آسیب‌ها را روشن می‌کند تا متخصصان و توان‌بخشان قادر به رفع آسیب‌ها باشند. بدین

صورت تاریخ شفاهی موجب تشخیص آلام و دردهای اجتماعی است، و از آن پس زمینه برای درمان در دست متصدیان امر خواهد بود.

یکی از حوزه‌هایی که در آن مورخان شفاهی با پرسش‌هایی درباره‌ی شیوه‌ها و چگونگی تنش بین گذشته و حال مواجه می‌شدند و این تنش خود را بهتر نشان می‌داد، مطالعاتی بود که درباره‌ی حوادث آسیب‌زا (تروما) صورت می‌گرفت. تمرکز اصلی این‌گونه مطالعات در ابتدا بر روی مصاحبه با بازماندگان هولوکاست بود، مطالعات مربوط به حوادث آسیب‌زا به‌طور کاملاً طبیعی به مصاحبه‌هایی با بازماندگان شکنجه‌های سیاسی و تجربیاتی مانند تجاوز، یا دیگر حوادث هولناک کشیده شد. در انجام چنین پروژه‌هایی روشن بود که مورخ نمی‌توانست یک حضور متفکرانه داشته باشد، جریان مصاحبه به‌عنوان یک تجربه تبدیل به لحظه‌ای می‌شد که در آن درگیری‌های گذشته بار دیگر تداعی می‌شد، یا برای لحظاتی احساس ناتوانی و قربانی‌شدن و تمام حوادث همراه آن دوباره زنده می‌شد. درحالی‌که این‌گونه موضوعات نمی‌تواند در اینجا به‌دقت موشکافی شود، ولی مهم است که آن‌ها را برای مباحثات مربوط به شواهد و مدارک مناسب برای تاریخ شفاهی، مباحثات مربوط به «ذهنیت‌گرایی» در مصاحبه، و بحث‌های بعدی مربوط به حافظه، در ذهن خود داشته باشیم. (گریل، ۱۳۹۶: ۲۹)

پروژه‌های تاریخ شفاهی می‌تواند بازتابان، توانمندساز و حمایت‌گر باشند. زندگی انسان عجین با حوادث، جنگ‌ها، بیماری‌ها، سوانح و بلایای طبیعی و غیرطبیعی است. تاریخ شفاهی با انتقال تجربیات آسیب‌دیدگان، حمایت‌گران، امدادگران و کادرهای درمان، راه‌های کنترل و پیش‌گیری و مقابله با تروما و حوادث را پیش‌روی جامعه می‌گذارد. حوادث و سوانحی مثل توفان، سیل و زلزله که آثار مخربی بر اقتصاد، اجتماع و فرهنگ دارند، می‌توانند در طرح‌های حمایتی مورد بررسی قرار بگیرند.

در بیماری‌های همه‌گیر، تجربه دردناک و رنج‌های انسانی می‌تواند از طریق تاریخ شفاهی برای همیشه ضبط و ثبت شود. پاندمی کووید ۱۹ که جهان را دچار ضعف و سستی کرده است، تجربه مختص یک گروه خاص نیست، و همه افراد جامعه از هر جنس، نژاد، قوم و عقیده‌ای درگیر آن هستند. تاریخ شفاهی می‌تواند با روش‌ها و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، مصاحبه‌هایی را با همه طیف‌های انسانی صورت دهد، تجربه‌های موفق و شکست‌خورده را به اشتراک گذارد، و ضمن ثبت تاریخ، جامعه را به لحاظ یافتن راهی درست و اصولی در برخورد با این بیماری کمک نماید.

در همان روزهای نخست شیوع پاندمی بیماری کرونا (آغاز سال ۲۰۲۰م) برای اولین بار طرح «تاریخ شفاهی کرونا» از جمله در ایران نیز پیشنهاد داده شد (کاظمی، ۱۳۹۸). همزمان مراکز مطالعاتی دنیا مانند مراکز دانشگاهی به سوی اجرایی کردن این طرح گرایش یافتند و اقدام به تدوین پروژه‌های تاریخ شفاهی کووید ۱۹ و برگزاری کلاس‌های آموزشی مصاحبه از راه دور و مجازی کردند، همچون:

۱. مرکز تاریخ شفاهی ویلیام اچ. برژ (The William H. Berge Oral History Center) به‌عنوان یکی از موسسات وابسته به دانشگاه کنتاکی در آمریکا، بر آن شد تا از طریق انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، تاثیر بیماری همه‌گیر کرونا را بر زندگی مردم ضبط و ثبت کند. (EKU Libraries)

۲. انجمن تاریخ شفاهی انگلستان (Oral history society (OHS) به‌عنوان یکی از مؤسسات فعال در زمینه تاریخ شفاهی، استانداردهای روند فعالیت‌ها و فراهم‌آوری بستر به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌ها در این حوزه را به‌منزله اهداف اصلی فعالیت‌هایش در دوران بیماری همه‌گیر کرونا مد نظر قرار داد. (Oral History Society)

۳. طرح تاریخ شفاهی کرونا و ویروس در موسسه هنر و علوم انسانی دانشگاه ایندیانا-پردو، از دیگر مراکز فعال در ثبت کرونا است، که با همراهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی انجام می‌شود. (SCHWARB, 2020)

۴. مرکز تاریخ سن دیه‌گودر کالیفرنیا مشتاق شد تا روایت‌های مردم را در مورد کرونا و ویروس بشنود. (Lopez-Villafana, 2020)

۵. جمع‌آوری و آرشیو روایت‌های تاریخ شفاهی مربوط به بیماری‌های همه‌گیر از علاقه‌مندی‌های دانشگاه کلمبیا است. بیماری کووید ۱۹ نیز توسط یک تیم ۳۰ نفره در دانشگاه کلمبیا بر روی ساکنان نیویورک مورد بررسی قرار گرفته است. (Springer, 2020)

۶. پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه ایالتی مورهد که توسط گروه تاریخ در پائیز ۲۰۲۰ راه‌اندازی شد، و هدف آن بررسی تأثیرات این بیماری در جامعه دانشگاهی بود. (Christian & Bush, 2020)

۷. پروژه تاریخ شفاهی ایرلندی که با الهام از پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه ایندیانا شکل گرفته و درصدد است تجربه‌ها و سبک زندگی مردم ایرلند را در جریان پاندمیک کرونا و ویروس ضبط و ثبت نماید. (Lynn, 2020)

۵. اعاده تاریخ به مردم

تاریخ شفاهی به طور آشکار به عنوان بخشی از روش‌شناسی مردم‌شناسی اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته است. این از مهم‌ترین کاربردهای بین‌رشته‌ای تاریخ شفاهی است که در مردم‌نگاری و مطالعه نهادهای انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقوف بر تاریخ محلی، بومی و منطقه‌ای، با تمام عناصر ساختی و نهادی و سیر تحول آن‌ها، نقطه قوتی است برای مردم‌شناسی.

از یک منظر، طرح تاریخ شفاهی نوعی تاریخ اجتماعی و آغازی بر اعاده تاریخ به مردم بود. مردم به عنوان خالقان صحنه‌ها و رویدادها، صاحبان واقعی تاریخ هستند. از این جهت محقق هستند بر تملک این دارایی بشری. بازگشت تاریخ به صاحبان اصلی آن با ثبت تاریخ محلی آغاز شد و با تاریخ شفاهی امتداد یافت.

تاریخ شفاهی با فنون مصاحبه، مردم را برای ثبت تاریخ محلی خود یاری داد. مورخان شفاهی و متخصصان فرهنگ‌های بومی، تاریخ شفاهی را به عنوان یک شاهد تاریخی در نظر گرفتند. لیندوود مونتل (Lynwood Montell) به عنوان متخصص فرهنگ بومی برای مطالعه جامعه اولیه مردم اصیل و چند نژادی که بعد از جنگ جهانی در میان کارگران سفیدپوست و در تپه‌های کامبرلند جنوب کنتاکی سکنی گزیده بودند، از تاریخ شفاهی استفاده کرد. او تاریخ شفاهی را رسانه‌ای کارآمد در جایی می‌داند که هیچ سند مکتوبی وجود ندارد و می‌توان تاریخ بومی - قومی را به واسطه آن یافت. (شارپلس، ۱۳۹۴: ۱۹)

به واقع در جایی و جامعه‌ای که فرهنگ کاملاً شفاهی است، انتقال تجربیات و دانش و مهارت نیز از طریق شفاهی صورت می‌گیرد. بنابراین تاریخ شفاهی در این سویه تاریخ‌نگای کارآمدتر است.

مورخان شفاهی استفاده از میکروفن برای به عرصه‌آوری «تاریخ دوردست» را مؤثر می‌دانند؛ زیرا به مورخان این امکان را می‌دهد که تشخیص دهند مردم بومی قرن بیستم چگونه خود، نهادها و نیروهای فعال اطرافشان را درک می‌کرده‌اند. ضمن این‌که در این میان می‌توان به کار با سنت‌های شفاهی توجه داشت، که هم از خاطره گذشته‌ی نزدیک به یادگار مانده راوی، و هم از سنت‌ها و فرهنگ‌های عامیانه‌ای که توسط نسل‌های گذشته سینه‌به‌سینه شفاهی نقل شده است، استفاده می‌کند. بنابراین چنانکه لاگرانژ بیان می‌کند، تاریخ شفاهی برای درک تاریخ بومی بسیار حیاتی است. (Lagrand, 1997: 23-24) در نتیجه

تاریخ شفاهی در جوامع بومی که فرهنگ عامیانه و سنت شفاهی قوی دارند، می‌تواند هم مطالعات انسانی داشته باشد و هم نهادهای برساخته انسانی را مورد بررسی قرار دهد.

باید در نظر داشت که تاریخ شفاهی و ارتباط آن با فرهنگ عامیانه، بیشتر به عنوان یک فرایند «شکل‌دهی به تاریخ» ترویج می‌شود، که با تأیید سنت شفاهی و سوابق منطقه‌ای می‌تواند به خوبی گذشته فیزیکی یک جامعه را بسازد، همچنین تصویری از پیشرفت یک جامعه را بر اساس توسعه فرهنگ عامه آن‌ها ایجاد کند. یعنی نباید از تحلیل تاریخی گذر کرد به این دلیل که این یک داستان عامیانه است. دانیلسون ادعا می‌کند که «علاوه بر یادآوری دیگران مبنی بر تحقیق در مورد واقعیت ذهنی، یک هدف مهم در تحقیقات تاریخ شفاهی محلی وجود دارد، که روایت عامیانه باید دانش خود را در مورد الگوهای رفتاری سنتی به اشتراک بگذارند.» (Danielson, 1980: 5)

نگرش‌های مطرح شده، تاریخ شفاهی را وارد دوره جدیدی کرده است، دوره‌ای که در آن تاریخ شفاهی تنها نقش مکمل و بینارشته‌ای ندارد، بلکه خود با داده‌هایی که در اختیار دارد، در کار ساخت‌وسازهای تاریخی کم و بیش درگیر است. باید در نظر داشت که تولید داده‌های تاریخ شفاهی در خلاء رخ نمی‌دهد و پس از تولید هم در خلاء باقی نمی‌ماند و یا در خلاء رها نمی‌شوند. برای آنکه از میراث تاریخ شفاهی حفظ و حراست گردد نیاز به آرشیوهای نظام‌مند وجود دارد.

توفیق در اعاده تاریخ شفاهی به مردم، به ظرفیت آرشیوی آن جامعه بستگی دارد. اغلب کتابخانه‌های محلی، انجمن‌های تاریخی، یا سازمان‌های داوطلب صاحبان آرشیوهای شفاهی هستند و پروژه‌هایی را با صاحبان یادها و خاطرات محلی تعریف می‌کنند. تاریخ شفاهی با تکیه بر سنت‌های دیرینه تاریخ محلی، آگاهی بخش و مستندکننده تاریخ محلی است. برای مثال برای تدوین تاریخ جدید کشاورزی و مطالعه روش‌های کشاورزی روزمره باید فراتر از مباحث پارلمانی یا بازارهای جهانی حرکت کرد و به دنبال شواهد محلی بود. باید از تمام زیرشاخه‌های تاریخ اجتماعی استفاده کرد. «شاید در بلندمدت، بزرگ‌ترین افتخار تاریخ شفاهی این باشد که سبب تجدید حیات تاریخ محلی شده است. اما یک تاریخ محلی جدید، که مانند یک سازمان سیاسی در صدد ایجاد و تلقین افتخار و هویت در میان مردم یک منطقه است.» (گریل، ۱۳۹۶: ۲۰)

به سبب گسترش و جهانی شدن فرهنگ‌ها، تاریخ‌های محلی و بومی در ورطه سقوط قرار گرفته است. اما تاریخ شفاهی با رویکرد مردم‌نگاری مفری برای نجات فرهنگ عامیانه

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۱۹۷

و تاریخ محلی؛ و حفاظتی برای حفظ میراث، سنن و روایت‌های عامیانه جامعه است. چند نمونه از این فعالیت‌ها عبارتند از:

۱. آلبرت لیخت بلاو در مرکز تاریخ فرهنگی یهودیان دانشکده تاریخ دانشگاه سلزبورگ روی موضوعاتی چون مهاجرت، تاریخ فرهنگی (موسیقی، ورزش)، هولوکاست و تاریخ زندگی (درباره بازماندگان) کار کرده و چند کتاب بر اساس مصاحبه‌های تاریخ شفاهی منتشر نموده است. او می‌گوید مهمترین پروژه‌اش با نام «زندگی افراد» (MenschenLeben) است، که در آن از مردم «معمولی» مصاحبه گرفته می‌شود. (Lichtblau, 01/06/2015)

۲. نیتز همیشه ترجیح می‌دهد تاریخ شفاهی را به عنوان بخشی از کار میدانی خود روی منطقه ماداگاسکار جمع‌آوری کند. او بر این نظر است «تاریخ شفاهی به طور آشکار به عنوان بخشی از تحقیق میدانی در مردم‌شناسی اجتماعی مورد توجه است. رویارویی با مردم در میدان تحقیق به شکلی اجتناب‌ناپذیر شما را از برخی جهات به انجام تاریخ شفاهی می‌کشاند». (Kneitz, 30/05/2015)

۳. هدف اصلی دپارتمان تاریخ شفاهی جامعه تاریخی مینه سوتا مستندسازی افراد و اجتماعی است که در مجموعه بزرگتر MNHS کمتر به آنها توجه شده است. (Barland, 22/06/2015)

۴. کاستانس به همراه یک گروه داوطلبانه برای ثبت و ضبط حیات شهری فعالیت می‌کنند؛ به خصوص جنبه‌هایی را مد نظر دارند که در کارخانه‌های محلی، در جریان رشد صنایع خدماتی، مغازه‌ها، و نگرش به سلامت، تغییر کرده‌اند یا در حال تغییر هستند. (Custance, 14/07/2015)

۵. لوبار نیز در مصاحبه‌اش تأکید کرد: «تمرکز ما روی پروژه‌های محلی است، تا به اجتماعات کمک کنیم و دانش‌آموزان را آموزش دهیم. همکاری‌های زیادی در برنامه‌های تاریخ شفاهی ما به عمل آمده است به طوری که اعضای جامعه در شکل‌گیری آنها مشارکت و در اجرای آنها کمک می‌کنند». (Lubar, 06/06/2015)

۶. در برنامه تحقیقاتی ارشد تاریخ شفاهی ساموئل پروکتور (SPOHP) دانشگاه فلوریدا، بر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بومیان آمریکا در آلاباما تمرکز و علاقه‌های عمومی تحقیقاتی روی تاریخ زیست محیطی و مدیریت کاربری زمین/منابع طبیعی است. (Dombrowski, 09/06/2015)

۷. روش‌هایی که در پروژه «کمپانی هند شرقی در وطن» مورد استفاده قرار می‌گیرد، و در آن بسیاری از تاریخ‌نگاران محلی برای کمک به این پروژه تحقیقاتی مشارکت می‌کنند را می‌توان در مجموعه‌های تاریخ شفاهی پیاده کرد. (Hannan, 29/05/2015)
۸. مک‌کارتنی با اجتماعات بومی آلاسکا و کانادای شمالی در زمینه‌های آموزشی کار کرده است، به طوری که آنها می‌توانند تاریخ خود را ضبط کنند و آن را در دسترس نسل‌های جوان‌تر قرار دهند تا آنها نیز بتوانند بزرگترها و فرهنگ گذشته و زبان آنها را بفهمند. (McCartney, 23/05/2015)
۹. تاریخ شفاهی در انگلستان با بهره‌گیری از پروژه‌های تاریخ شفاهی اجتماعات محلی مورد حمایت قرار می‌گیرد، سرمایه‌گذاری‌های دولتی بیشتر در یک صندوق دولتی به نام صندوق گزینش میراث فرهنگی (Heritage Lottery Fund) انجام می‌شود. این صندوق در پروژه‌های تاریخ شفاهی اجتماعات/ محلی خوب عمل کرده است. (Bruley, 01/06/2015)
۱۰. مرکز میراث اوپرلین یک انجمن تاریخی محلی است، که تاریخ اوپرلین ایالت اوهایو را جمع‌آوری می‌کند. شولتز می‌گوید: «ما از سال ۱۹۸۰ کار مصاحبه خود را شروع کرده‌ایم و حدود ۱۵۰ مصاحبه با ساکنان محلی انجام داده‌ایم». (Schultz, 09/06/2015)
۱۱. دفتر منطقه‌ای تاریخ شفاهی در دانشگاه کالیفرنیا برکلی در سال ۱۹۵۴ تاسیس شد و از لحاظ قدمت دومین برنامه تاریخ شفاهی دانشگاهی در آمریکا است. این دفتر پس از گذشت حدود پنجاه سال از بنیان‌گذاری، حدود ۲۰۰۰ مصاحبه با مردان و زنانی که به نحوی در حیات کالیفرنیا یا مناطق غرب دور آمریکا نقشی برجسته داشته‌اند، انجام داده است. هر ساله تقریباً ۱۰۰ تا ۱۵۰ مصاحبه جدید انجام می‌شود. (Candida Smith, 08/07/2015)

۶. زنان

در عرصه تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی فرصتی بود تا زنانگی بازتعریف شود. تاریخ شفاهی با دادن تریبون به دست فمینیست‌ها برای بازتعریف نقش زنانگی توانست کمک قابل توجهی نماید، و با تغییر قالب‌ها و هنجارهای جنسیتی، خود را بر عدالت اجتماعی مبتنی سازند. تاریخ شفاهی نه تنها به جنبش فمینیسم بلکه به جنبش مطالبات رنگین‌پوستان نیز کمک کرد.

تاریخ شفاهی در مراجعه به فمینیست‌ها و دیگر کنشگران اجتماعی عرصه موضوعات مرتبط با زنان امکان طرح پرسش‌هایی در مسیر تبیین زمینه‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی را داشته است. تاریخ شفاهی راهی است برای به تصویر کشیدن نظام مردسالاری و تقسیمات ناعادلانه جنسیتی، روشی برای بیان شرایط ساخت فرهنگی سکسوالیته‌ای است که احتمالاً در آن زن فاقد تعریف مثبت شده‌ای از زنانگی است.

در عین حال جامعه فمینیستی، تاریخ شفاهی مبتنی بر جامعه‌پذیری را روشی برای آگاهی بخشی و سازماندهی می‌داند. (Portelli, 1991: xii) از دهه ۱۹۷۰، تاریخ شفاهی در جهت مطالعه و شناخت ریشه‌های انسان‌شناسی و تبیین وضع و موقعیت طبقات مهجور مانند زنان و طبقات کارگری، نقشی پررنگ ایفا کرده است، و از خود روش قدرتمندی برای دیده و شنیده شدن این طبقات ساکت جامعه نشان داده است. همچنین رویه‌ای برای احیای جنبه‌های مختلف هویت مکتوم زنان شد. این جنبش‌ها تاریخ شفاهی را ابداع خود می‌دانند تا از بند مفاهیم تاریخ‌نگاری سنتی و سنت تاریخ‌نگاری مذکر رها شوند، و صدای‌شان را در گوش اعصار طنین‌انداز کنند.

با نگاهی بر فعالیت‌ها و عملکرد جنبش‌های زنان می‌توان دریافت که تاریخ شفاهی در خدمت آنان بوده است. از اولین کارهای فعالان جنبش زنان، گرفتن حق رای برای زنان بود، دانشگاه کالیفرنیا برکلی در جهت ثبت چنین فعالیت‌هایی، با رهبران این جنبش‌ها مصاحبه‌هایی انجام داد. کالج رادکلیف در سال ۱۹۷۹م. پروژه تاریخ شفاهی خود را درباره زنان سیاه‌پوست آغاز کرد و با ۷۲ زن که به موفقیت‌های بزرگ دست یافته بودند مصاحبه کرد. می‌توان گفت تاریخ شفاهی به ابزاری برای آشکار کردن تجربیات روزمره زنان درآمده است. (شارپلس، ۱۳۹۴: ۱۸)

تاریخ شفاهی همچنان پرشور و پویا در مسیر تجربیات زنان است، شولتز در این راستا در مصاحبه با این تحقیق می‌گوید: «در مرکز میراث اوبرلین هر سال چهار مصاحبه انجام می‌دهیم؛ و در حال دیجیتال‌سازی مصاحبه‌هایی هستیم که به صورت کاست ضبط شده‌اند تا بتوانیم راهی برای به اشتراک گذاری بیشتر مصاحبه‌های خود به صورت برخط پیدا کنیم». (Schultz, 09/06/2015)

۷. کهنه سربازان

تاریخ‌نگاری سنتی در خصوص جنگ‌ها همواره به ثبت رزم، دفاع، و هم‌اوردی سرداران و فرماندهان پرداخته است؛ در پیروزی‌ها آنان را جنگجویان سلحشور و فداکار و در شکست‌ها چشم‌زخم خوردگان و قربانی خائنان تصویر کرده است. اما با اعاده تاریخ به مردم، زوایای نادیده و لایه‌های مغفولی از جنگ‌ها و رزم‌ها امکان بیان، دیده شدن و ثبت در تاریخ را یافتند. کهنه سربازان، پیاده نظام، و سطوح فرمان‌بر و مطاع توانستند از سرنوشت و روزهای جنگ‌زده خود بگویند، آنان تاریخ را نه از ستادها و اتاق‌های فرماندهی پشت جبهه بلکه آن‌طور که از پشت خاکریزها و میادین نبرد مشاهده و عمل کرده بودند برای تاریخ بیان داشتند.

تحولات عمده‌ای در زمینه تاریخ شفاهی و تهیه آن صورت گرفته است. این تحولات حتی شامل کسانی است که در پروژه‌های مخصوص تهیه تاریخ جنگ فعال بودند. آنان در پی این تحولات به پادگان‌ها و اماکن نظامی رفتند تا در مورد موضوعات جنگی، محتوایی برای تاریخ شفاهی خود تهیه کنند. در فهرست مصاحبه‌های موردنظر آنان همان‌طور که نام سرداران عالی‌رتبه به چشم می‌خورد، نام سربازان صفر نیز وجود داشت. بنابراین از این طریق گنجینه‌های بسیار مهمی در زمینه پژوهش‌های تاریخی در حوزه مسائل نظامی فراهم آمد. (ریچی، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

در ایران پس از پایان جنگ هشت ساله، مراکز و نهادهایی به ثبت تاریخ شفاهی و خاطرات رزمندگان و سربازان و فرماندهان مبادرت کردند. حجم این تولیدات به قدری وسیع شد که امر اعتبارسنجی و آسیب‌شناسی آن را سخت کرده است. در جهان ثبت تاریخ شفاهی کهنه سربازان و طبقات زیرین جنگاور و مدافع متمرکز بر روی دو جنگ جهانی است. شماری از فعالیت‌های ثبت تاریخ شفاهی عبارتند از:

۱. هیأت معارف جنگ ارتش در سال ۱۳۷۳ با کوشش‌های شهید سپهبد صیاد شیرازی بنیان‌گذارده شد، تا تجربیات و خاطرات کهنه سربازان ثبت و ضبط شود. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۸-۷)

۲. پروژه «تاریخ شفاهی فرماندهان» توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مصاحبه با فرماندهان جنگ هشت ساله اهتمام کرده است، و به ضبط و ثبت تجربیات فرماندهان ارشد سپاه در جنگ می‌پردازد. (مختاری، ۱۳۹۸: ۱۳)

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۲۰۱

۳. دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری انقلاب اسلامی بدون در نظر گرفتن وابستگی نظامی افراد، حدود سه دهه است که به ثبت و ضبط خاطرات کهنه سربازان توجه کرده است، و کتاب‌های بسیاری منتشر نموده است، از جمله کتاب *شبه‌های بی‌مهابا* خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی، سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی. (کاظمی، ۱۳۹۷)

۴. پروژه تاریخ کهنه سربازان (VHP: Veterans History Project): این پروژه در سال ۲۰۰۰، در کتابخانه کنگره شروع به فعالیت کرد، تا خاطرات کهنه‌سربازان جنگ جهانی دوم را ثبت نماید. در این پروژه تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۰۰ مصاحبه انجام شده است. ("Projects", August 2013)

۵. گری در مصاحبه با این تحقیق گفت که کتابخانه کنگره آمریکا، مجری پروژه تاریخ کهنه سربازان است، و تا کنون بیش از ۹۰ هزار تاریخ شفاهی (این آمار رو به افزایش است) از کهنه سربازان جنگ جهانی اول تا زمان حاضر جمع‌آوری شده است. (Gray, 01/06/2015)

۶. بابارا سی. آلن از دانشگاه لاسال آمریکا نیز می‌گوید که کلاس من دو پروژه دارد که دانشجویان می‌توانند از میان آنها انتخاب کنند. یکی انجام مصاحبه با یکی از اعضای دانشگاه خودمان و بایگانی کردن مصاحبه در بایگانی دانشگاه و پروژه دیگر مصاحبه با کهنه سربازان ارتش آمریکا و بایگانی کردن مصاحبه در کتابخانه کنگره است. (Allen, 10/06/2015)

۷. در پروژه ای با عنوان «صدای کهنه سربازان دانشجو» چهار دانشگاه؛ دانشگاه مورهد، دانشگاه کنتاکی شمالی، دانشگاه لویزیویل و دانشگاه کنتاکی شرقی با همکاری هم درصدد آمدند تا صدای خاطرات دانشجویان آمریکایی شرکت کننده در جنگ عراق و جنگ افغانستان را ضبط، ثبت و منتشر کنند. (University of Kentucky)

۸. مهاجران و مکتب سوبالترن

مهاجران، پناهندگان، آوارگان و رانده‌شدگان از جمله قربانیان تاریخ بوده‌اند، که تاریخ شفاهی اکنون با آنان به عنوان بازمانده مواجه است و به ثبت و ضبط وقایع و تاریخ آنان مبادرت می‌کند.

سوبالترن خود مکتبی از تاریخ‌نگاری است، که پیشگامان آن هندیان هستند، این مکتب به تاریخ‌نگاری طبقات رانده شده از جغرافیای سیاسی خود می‌پردازد. گو اینکه بیشترین

این مهاجران کم‌وبیش اجباری از اقشار پائین جامعه بوده‌اند. این گروه‌های اجتماعی بدون مقصد پراکنده شده، و لاجرم در کشوری دیگر پناه گرفته و اندکان‌اندک تجمعی از خود در قالب محلات حاشیه‌ای در شهرهای مقصد تشکیل داده‌اند. سوبالترن به تجربه مسیر، اهداف و سرانجام دست‌آوردهای آن‌ها پرداخته است. نتایجی که پس از قریب دو نسل اکنون صاحب مکان و موقعیتی هستند، اکنون به‌عنوان سرمایه ملی دور از وطن به حساب می‌آید که در مکتب هندی سوبالترن حداکثر هویت‌سازی و بهره‌گیری و بهره‌یابی برای جامعه مبدا داشته است.

بدین صورت پناه‌جویان طبقه اجتماعی فرودستی بوده‌اند که بیشتر از دو منظر خاموش بوده‌اند؛ ۱. به عنوان شهروندان دست‌چندم جامعه مقصد، ۲. گاه به عنوان کسانی که غیرقانونی دست به مهاجرت زده‌اند. این جابه‌جایی‌های جغرافیایی، طبقه اجتماعی آنان را نیز جابه‌جا می‌کند. طبقه این مهاجران و پناهندگان و جویندگان کار در شهر مقصد به مراتب پائین‌تر از جامعه مبدا بود. این تغییرات و کوچ‌ها می‌تواند به دلایل مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دینی و فرهنگی) روی دهد؛ این مهاجرت‌ها به هر دلیلی که باشد، سبب خموشی و سکوت آنان در برابر اجحاف و ستمی است که به آنان روا داشته شده است. مهاجرت‌هایی که از عراق و افغانستان به ایران صورت گرفته و یا بالعکس مهاجرت، فرار و پناهندگی که از ایران به دیگر کشورها رخ داده است، به سبب حداقل یکی از این دلایل است.

تاریخ شفاهی و تاریخ‌نگاری سوبالترن امکانی است تا از جمله پرده از دلایل این حرکت‌ها، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌ها و نقش‌پذیری آنها را در جامعه مقصد روایت کند. در تاریخ معاصر ایران همواره اشکالی از مهاجرت‌های سوسیالیستی، تبعید، فرار و راندن طبقات اجتماعی و مخالف وجود داشته است، که کمتر بخت روایت و ثبت در تاریخ داشته‌اند. اما با ورود موضوع ایران به چرخه تاریخ‌نگاری شفاهی مسیر ضبط و ثبت خاطرات این گروه از خاموشان و مستوران جامعه فراهم شده است. دو پروژه تاریخ شفاهی هاروارد و بنیاد مطالعات ایران در دانشگاه کلمبیا گرچه در موضوع مهاجران و گریختگان سیاسی است، اما تمرکز و توجه آن به جامعه نخبگانی است که همواره در طول زیست اجتماعی خود تریبونی برای سخن گفتن داشته‌اند. پس در این بحث، منظور تاریخ شفاهی مهاجران، پناهندگان و تبعیدیانی است که راهی برای طرح چرایی و چگونگی سرنوشت خود نداشته‌اند. بنابراین تاریخ شفاهی امکانی است برای فهم تجربه‌های منحصر‌به‌فرد آنان.

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۲۰۳

گاهی تاریخ شفاهی تنها راه برای فهمیدن نحوه تجربه و احساس مردم از رویدادهای ملی یا تغییرات عمده در زندگی است. برای مثال، چرا مردم به انگلستان مهاجرت می‌کنند؟ آنها چه حسی نسبت به ترک خانواده و اقوامشان دارند؟ وقتی به مقصد رسیدند مردم محلی چه برخوردی با آنها داشتند؟ (Custance, 14/07/2015)

با محوریت سوالات و مهاجران پروژه‌های تاریخ شفاهی زیادی در جهان صورت گرفته است، از جمله:

۱. ایران از مأمّن‌ها و پناهگاه‌های بزرگ مهاجران افغان است. مردمانی که در طول قرن‌های متمادی با ایران دارای تاریخ مشترک و پیوندهای فرهنگی بوده‌اند. پس از تهاجم خانمان‌سوز شوروی به افغانستان بسیاری از افغانان به کشورهای چون پاکستان و ایران مهاجرت کردند. وجود این گروه عظیم مهاجر در ایران دارای تبعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. موضوعی مهم که دست‌مایه تحقیق روح‌اله صفری شد. او مشارکت‌کنندگان در تحقیق خود را از میان طبقه تحصیل‌کرده افغان‌طلاب، معلمان و مدیران مدارس خودگردان مهاجران افغان در اصفهان برگزیده است، تا بتواند حیات آموزشی آنان را مورد واکاوی قرار دهد. ۵۳ نفر در گفت‌گوهایی بر مدار تاریخ شفاهی به سوالات محقق پاسخ گفته‌اند. این پژوهش از جمله پژوهش‌های آکادمیک است که از شیوه تاریخ شفاهی برای نیل به اهداف سه‌گانه (بررسی وضعیت مدارس خودگردان، بررسی وضعیت دانشجویان و ثبت و ضبط بخشی از حیات آموزشی طلاب علوم دینی مهاجران افغان) بهره برده است. (صفری، ۱۳۹۱)

۲. برنامه تاریخ شفاهی موسسه ساموئل پروکتور در دانشگاه فلوریدا بزرگترین مجموعه تاریخ شفاهی انجام شده با آمریکاییان آفریقایی‌تبار در ایالات متحده است. (Dunnivant, 13/06/2015)

۳. پروژه یادواره چهلمین سالگرد بهار پراگ و اشغال چکسلواکی توسط نیروهای پیمان ورشو؛ که بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ در کشور چک اجرا شد. افرادی که مصاحبه شدند از شمار هزاران نفر مردم چک و اسلواکی هستند که پس از بهار پراگ به سوی کشورهای غربی (آلمان، فرانسه، انگلستان و آمریکا) مهاجرت کردند. این مهاجران در کشور اطریش با آغوش باز و بسیار دوستانه پذیرفته شدند. این کشور سال‌ها به عنوان پناهگاهی برای تبعیدیان ضد کمونیست کشور چک تا سال ۱۹۸۹ عمل کرد. (Mucke, 2013)

۹. سالمندان

سالمندان گنجینه خاطرات و تجربیات جامعه هستند. تا پیش از تاریخ‌نگاری به سبک‌های نوین، عمده خاطرات و تجربیات آنان در سینه مانده و در نهایت خاک‌سپاری می‌شدند. تجربیات سالخورده‌گان بسان سرمایه اجتماعی است که باید برای آیندگان حفظ و ذخیره‌سازی شود، اما احصای یادمانده‌های سالخورده‌گان به آسانی روی نمی‌دهد، چرا که بعضی از ایشان دچار فراموشی هستند. البته تاریخ شفاهی جدای از احصای داده‌ها دارای دو کارکرد ویژه در مواجهه با سالمندان است، یک این‌که کارکرد تاریخ درمانی دارد و آن‌ها را از انزوا خارج می‌کند، و دیگر آن‌که با فعال‌سازی مغز و تقویت قدرت حافظه، با زوال عقل آنان مبارزه می‌کند. مصاحبه فعال می‌تواند در ذهن مصاحبه‌شونده تغییرات شیمیایی و در درون و روانش هیجاناتی ایجاد کند، و حیات دوباره‌ای به روح و روان او ببخشد. رفت‌وبرگشت‌های حافظه و افزایش قدرت کلام و ارتقای بیان در مصاحبه‌شونده می‌تواند برای مدت‌ها او را از فرسودگی برهاند.

گاه یک تجربه برای یک فرد غصه و دردی بزرگ و پنهان در سینه است، که سال‌های سال این بارسنگین را در ذهن دارد و با خود جایجا می‌کند. تاریخ شفاهی می‌تواند با عبور از دالان تودرتوی ذهن او کمک کند تا با گفتن خاطره و تجربه، خویشتن خویش را سبک کند. این است که تایخ شفاهی با خاطره‌درمانی به درمان روح و روان راوی و بخش قابل توجهی از جامعه کارآمدی دیگری از خود بروز می‌دهد.

نباید تصور کرد که مردم از سر تفنن خاطره می‌گویند، بلکه آن‌ها حامل امانت‌هایی هستند که می‌خواهند تاریخ سپاری کنند، تا وجدانشان و روح‌شان آرام بگیرد. برخی راویان چون جایی برای سخن و بیان خاطرات و تجربیات نمی‌یابند در تلاطم درونی هستند، ولی به محض گفتن خاطرات به آرامش می‌رسند، گویی بار سنگینی بر زمین می‌گذارند، و نفس راحت می‌کنند. «مردم داستان‌های‌شان را برای پژوهشگر «سرهم‌بندی نمی‌کنند»، بلکه محتویات انبار ذهنشان را در پیش او بیرون می‌ریزند» تا آرام گیرند. (آبرامز، ۱۳۹۷: ۲۲۱)

۱۰. جنبش‌های ضدنژادپرستی

لوی یکی از کارکردهای تاریخ شفاهی را متوجه طبقه رنگین پوست می‌کند؛ برای حفظ تاریخ با استفاده از نگهداری داستان‌های شخصی مردم آمریکایی آفریقایی‌تبار، افرادی که اغلب جدا از جریان اصلی جامعه سفیدپوستان زندگی می‌کنند. (Lev, 26/05/2015)

تاریخ شفاهی مربوط به طبقاتی که سالیان متمادی گرفتار قوعد نژادپرستی بوده‌اند، غالباً خاطرات تحقیر است، خاطرات دردناکی که با بازگفت آن می‌توان درمانی برای آن در تاریخ یافت؛ درمان خودشناسی. بازیابی گذشته خودشناسی و مرور در احوال و رفتار روزهای به یغما رفته است، که انسان را به تفکر و تعمق در حدیث نفس و عملکرد خویش و می‌دارد. گاه قرار گرفتن در میانه‌ی میدان، فرصت دیدن زوایا و سوییای واقعه و عملکرد را می‌گیرد، باید از آن جدا شد و فاصله گرفت و از کنار گود با قدری دورانگاری به آن نگرست.

صفحات تاریخ پر است از استثمار بردگان و شرح قربانیان نژادپرستی، اما نه از دید خود بردگان و قربانیان، بلکه از نگاه شارحان، موضعان و مورخان. تاریخ شفاهی فرصتی است برای طبقات مهجور و خاموش رنگین‌پوست که تاوان سنگینی برای بودن، و معنا شدن پرداخته‌اند. اما مسیر یادآوری و بازیابی خاطرات برای آنان دردناک و بسیار آزار دهنده است. آنان ابتدا باید بتوانند این واکنش طبیعی را در خود مهار کنند.

افراد باید در بیان خاطرات خویش به یک خودشناسی رسیده باشند، وگرنه هنگامی که به این خاطرات تلخ و آزار دهنده می‌رسند، مانند دوره استیلای فاشیسم، آن را مسکوت می‌گذارند. روایت داستان زندگی با خودشناسی می‌تواند میان تجربه‌های متضاد و غالباً ناراحت‌کننده انسجام ایجاد کند. «داستان هم‌رنگی با فاشیست‌ها یا حتی تسلیم بی‌قید و شرط به هیچ وجه با خودشناسی کنونی کارگران که هویت آنان را به عنوان کارگر و عضو جنبش کارگری می‌شناساند، جور در نمی‌آید.» (آبرامز، ۱۳۹۷: ۱۲۸)

۱۱. فرهنگ، هنر و صنعت

تاریخ شفاهی به عبارتی خود یک اجرا و نمایش است. از این جهت کاری است هنرمندانه؛ هنر نمایش خاطرات و تجربیات در منظر عمومی. از دیگر سو خود نیز در خدمت فرهنگ و هنر است. در گذشته، تاریخ‌نگاری هنر و ادبیات، تیری رها شده از کمان پادشاهان و

سلاطین بود. چه بسیار معماران، صنعت‌گران، موسیقی‌دانان، نوازندگان، شعرا و ادیبانی که بیداری خود را به جهان خاموش سپردند. مواجهه تاریخ شفاهی با طبقه فرهنگ، هنر و هندسه مواجهه برآیندی نیست، بلکه فرآیندی است. مواجهه‌ای که در طول اعصار در پرده مانده و فرصت املا نیافته است. تاریخ شفاهی می‌تواند تفوق درونیات یک شاعر بر شرایط زمان و زمانه و چگونگی سرودن شعر را بازنمایی کند، می‌تواند بگوید که هنر دست فرش‌بافان از چه دهلیز رنجی عبور کرده و عرصه را فرش کرده است. می‌تواند در لابه‌لای نت موسیقی نوای زیست موسیقی‌دان را شنوا کند. تاریخ شفاهی در مصاحبه با معماران نه فقط به آثار معماری آنان بلکه به شرایط زیست و زندگی و تجربیات آنان توجه دارد، و می‌تواند مسیر انتقال تجربه را آسان کند.

در ایران تاریخ شفاهی بیشتر در خدمت تاریخ انقلاب و جنگ بوده است، کارهای صورت گرفته در خصوص فرهنگ، ادبیات، هنر و صنعت بسیار محدود و انگشت‌شمار هستند. اما در جهان از گرایش‌های اصلی تاریخ شفاهی همین سویه‌ها است، در این‌جا می‌توان چند نمونه برون‌مرزی را معرفی کرد:

۱. پروژه تاریخ شفاهی لس‌دل واله، در سال ۱۹۹۳ آغاز شده است، که شامل زندگی‌نامه نویسی مردم از میراث غنی دره «ریو گراند» و جنوب تگزاس و ثبت رویدادهای تاریخی و فرهنگی آن‌ها است. کتابی شامل مصاحبه‌های شخصی، عکس‌ها، کلیپ، فیلم و موسیقی است که انتقال منحصر به فرد آن‌ها از منطقه معمولاً در منابع سنتی ممکن نمی‌شد. (Medrano, 26/05/2015)

۲. پاول ماک (Pavel Mucke) شفاهی‌کار مرکز تاریخ شفاهی مؤسسه تاریخ معاصر آکادمی علوم جمهوری چک و عضو انجمن بین‌المللی تاریخ شفاهی چک گزارش می‌دهد که در یک پروژه تاریخ شفاهی منحصر به فرد با نام «فیلم برنو» تلاش شده است تا در جهت مستندسازی تاریخ، فرهنگ این فیلم معروف محلی و جایگاه آن را در زندگی روزمره پس از سال ۱۹۴۵ به کمک مصاحبه‌هایی که با فیلم‌سازان و تماشاچیان انجام شد، تحلیل کند. (Mucke, 2013)

۳. مرکز تحقیقاتی و بایگانی ویلیام رانسوم هوگان دانشگاه تولان در سال ۱۹۵۸ پروژه‌ای را به عنوان بایگانی جاز نیو اورلئان آغاز کرد، که هدف آن انجام تاریخ شفاهی با مردان و زنانی بود که در شکل‌گیری موسیقی جاز در نیو اورلئان مشارکت داشته‌اند. (Raeburn, 20/06/2015)

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۲۰۷

۴. دانشگاه جورج میسون در ویرجینیای شمالی اسناد شفاهی هنرهای نمایشی، حمل و نقل، برنامه ریزی و عکس برداری را جمع آوری می‌کند. تاریخ‌های شفاهی مرتبط با ویرجینیای شمالی، پروژه تئاتر فدرال را جمع آوری می‌کند. این مرکز در حال حاضر یک برنامه فعال تاریخ شفاهی اجرا می‌کند. (Vay, 20/06/2015)

۵. «مرکز فرهنگ عامه آمریکا» بخشی از کتابخانه کنگره آمریکا متشکل از دانشمندان فرهنگ عامه، دانشمندان بررسی موسیقی در فضای اجتماعی - فرهنگی، انسان‌شناسان فرهنگی و تاریخ‌دانان و استادان حوزه فرهنگ عامه است، که بزرگترین بایگانی قوم‌شناسی سمعی بصری جهان، اسناد مربوط به سنت‌های فرهنگی آمریکا و نیز سایر بخش‌های جهان را جمع آوری می‌کنند. در این مرکز، اسنادی از بیش از ۱۶۰ کشور آرشیو شده است. بخش کوچکی از این اسناد مربوط به ایران و ایرانیان در این‌جا موجود است. (Gray, 01/06/2015)

۱۲. جدال بزرگ

توانمندسازی و به سخن درآوردن خاموشان و مستوران به اریکه تاریخ، راه ساده‌ای را پیش‌رو نداشته، و با نقدها و مخالفت‌هایی همراه بوده است.

از دهه‌ی ۱۹۸۰ بدین سو مورخان با رویکردی متقدانه‌تر به موضوع توانمندسازی نگریده‌اند. آنان خیلی زود متوجه شدند که ادعاهای متعدد مبنی بر برخورداری تاریخ شفاهی از قدرت مردمی‌سازی و آزادکنندگی وقتی در برابر مشکلات نظری و متدولوژیکی می‌نشینند، رنگ می‌بازند. برخی از این مشکلات عبارتند از: نابرابری پنهان قدرت در روابط حاکم بر اصل مصاحبه؛ تقابل قدرت که در مرحله‌ی تفسیر و انتشار بروز می‌کند؛ و پنداری که می‌گوید روایان قادرند صدای‌شان را بدون وابستگی به کسی یا جایی به گوش دیگران برسانند. (آبرامز، ۱۳۹۷: ۳۸۴)

تاریخ شفاهی تا همین اواخر درگیر دو جدال بزرگ با تاریخ‌نگاری سنتی بوده است. جدال اول در جهت اعتبار بخشی به منابع شفاهی تاریخ اروپا و اعطای اهمیت به آن‌ها در ردیف منابع دیگر بوده است. از جمله دستاوردهای این چالش می‌توان به نقد سایر منابع اشاره کرد، حداقل این‌که مجموعه‌ای از آثار تاریخ شفاهی ارزش برابر میان منابع شفاهی و دیگر منابع را اثبات کرده‌اند. دوم تلاش در جهت گسترش افق تحقیقات تاریخی است، چه به معنای گنجاندن حوزه‌های جدیدی از واقعیت (مانند زندگی روزمره اقشار فرودست)، چه به معنای تقویت و شفاف‌سازی اهداف و مقاصد سیاسی در قالب

نوشتار تاریخی. هنوز این جدال‌ها ادامه دارند و کارهای زیادی برای توسعه ابتکارات موجود باقی مانده است. با این وجود در این دو زمینه، جهت تحقیقات تاریخ شفاهی روشن است و بحث به خوبی پیش رفته است. (Passerini, 1979, 82)

در دیدگاه پاسرینی (Luisa Passerini) موفقیت تاریخ شفاهی از دو جنبه قابل توجه است: ۱. برپایی نظام اعتباری، ۲. بهره‌مندی از تجربیات نادیده طبقات ستم‌دیده و سرکوب شده. این دو جنبه نه فقط تاریخ شفاهی بلکه بیشتر پژوهش‌های تاریخ اجتماعی را ارتقا داد، و سبب تعمیق بین‌رشتگی در میان رشته‌های علوم انسانی بویژه علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی گردید. از این‌روست که پاسرینی به‌عنوان مبدع مرحله سوم تاریخ شفاهی، توانست رویکرد یا به‌عبارتی تفسیر انتقادی (critical Interpretation) را به دامنه تاریخ شفاهی بکشانند. در سال ۱۹۷۹ وقتی مقاله‌ی انتقادی ایشان به نام «کار، ایدئولوژی و اجماع در عصر فاشیسم ایتالیا» منتشر شد، افق‌های نویی پیش‌روی مورخان شفاهی گشوده شد. (Passerini, 1979, 84)

اکنون با روند روبه‌رشد ابتکارات تاریخ شفاهی، از جمله دموکراتیزه کردن و عمومیت بخشیدن به آن، می‌توان اعلام کرد که فاتح دو جدال بزرگ تاریخ شفاهی، طبقات مستور و ساکت جامعه بوده‌اند، طبقاتی که تاریخ شفاهی گرانگاه هویتی آنان شده است. اما این امر نباید موجب گمراهی در شناخت و کاربست تاریخ شفاهی گردد. چنانکه پاسرینی خود هشدار می‌دهد که بزرگترین نارسایی تاریخ شفاهی، سوق دادن تاریخ‌نگری به سوی نوعی پوپولیسم است؛ یعنی جایگزینی برخی از اصول اساسی پژوهش با دموکراتیزه‌سازی سطحی و انباشته کردن ذهن با عوام فریبی. «چنین رویکردی ساخت تاریخ شفاهی را به خطر می‌اندازد، وقتی که تصور شود تاریخ شفاهی صرفاً جایی برای سخن گفتن طبقات ستم‌دیده و فرودست است». (Passerini, 1979, 84)

برای مقابله با چنین پیامدی باید ضمن توجه به مختصات و ویژگی‌های منابع شفاهی، باید رویکردهای مفهومی و بازنمود آن‌ها در ابعاد فرهنگی و اجتماعی را در نظر داشت. بایستی مقولات تفسیری را در معادلات اجتماعی جست و تطبیق داد، و تاریخی نگاشت و گذشته‌ای را بازسازی کرد که دور از عوام‌زدگی باشد، گرچه تاریخ عوام و فرودستان باشد. تاریخ شفاهی با نگاه بر طبقات خاموش جامعه، تمرکز تاریخ را بهم زده و موجب دیده شدن سویه‌های دیگر تاریخ شده است. سویه‌هایی چون: اشکال فرهنگی، موقعیت

اقتصادی، ساخت الگوهای محلی متمایز اجتماعی، پیوندهای درون گروهی، اوقات فراغت طبقه کارگر، پیامدهای فرهنگی و اقتصادی گروه‌های مهاجر، پیوندهای قومی و قبیله‌ای، خیزش‌ها و شورش‌های سیاسی و فعالیت‌های حزبی و مقولاتی از این دست سبب آن شده است تا از یک منظر تاریخ شفاهی در شمار تاریخ اجتماعی جای بگیرد.

۱۳. نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی به سبب رویکرد آزدانگاری خود وارد حوزه‌ی رهایی‌بخش تاریخ شده است؛ و در پی آن است با آگاهی توده‌ها آن‌ها را در صحنه مشارکت تاریخی قرار دهد. بسیاری از نهضت‌های اجتماعی از جمله بردگان، محرومان، کارگران، خاموشان، مهاجران، فمینیست‌ها و جنبش‌های ضدنژادپرستی به تاریخ شفاهی اقبال می‌کنند تا بتوانند صدای فرومانده خود در گذشته را از راه میکروفن به گوش جهان برسانند.

در این نوشتار سعی شد تا نسبت تاریخ شفاهی در مواجهه با برخی طبقات اجتماعی نادیده یا کمتر دیده شده، شرح داده شود، و این‌که چگونه این نوع تاریخ‌نگاری قادر است صدای ایشان را تاریخ‌سپاری کند. گروه‌ها و طبقات خاموش و مستور اجتماعی بسیار فراتر از آنچه است که در این مقاله اشاره شد. صاحبان حرف و صنایع رو به انقراض، روسپیان، راهزنان، زندانیان، رانندگان حمل‌ونقل عمومی، باربران، محیط‌بانان و فعالان محیط زیست همگی از شمار گروه‌هایی هستند که مسکوت و مستورند؛ و تاریخ شفاهی راهی است برای بیان تجربه‌ها و انتقال پیام آن‌ها به متن و احضار در عرصه تاریخ. بدین صورت معنی تاریخ درمانی را برای ایجاد زمینه‌های گفت‌وگوی بی‌انتهای بازگشایی کرده و سطح بهداشت تاریخی جامعه را نیز ارتقا بخشد.

از این رو تاریخ شفاهی در هدفی جذاب و کاربردی فقط داده جمع‌آوری نمی‌کند، بلکه توسط صاحبان اصلی رویدادها تاریخ می‌آفریند، مردم را و می‌دارد تا به ثبت سنت‌ها، فرهنگ‌ها و وقایع پیرامون خود اهتمام ورزند.

عمومیت در تاریخ شفاهی جدای از مسأله ذهنی آن، گاهی به معنای این تعبیر شده که هرکس می‌تواند محقق یا حتی مورخ شفاهی باشد. در حالی که منظور واقعی از مردمی‌سازی در برگیری همه مردم بسان سوژه‌ها و موضوعات است، نه به معنای این‌که هرکس می‌تواند به تاریخ‌نگاری مبادرت کند. تاریخ شفاهی نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها

و تخصص‌ها است، و علاقه‌مندان به آن غیر از معرفت تاریخی باید مهارت مصاحبه و آگاهی از روش‌های تحقیق داشته باشند.

گرچه تاریخ شفاهی برای گروه‌های مخالف نژادپرستی، مارکسیست‌ها، فمینیست‌ها و مهاجران و پناهندگان، جنگ‌زدگان و محصوران در اشغال، وجوه مردم‌پسندی را از خود نشان می‌دهد، اما اگر در تبدیل رویه و روند تاریخ شفاهی به اطلاعات و آگاهی تاریخی و فرهنگی، درست و به قاعده عمل نکند، گرفتار عوام‌فریبی خواهد شد، و ابزاری برای تبلیغ سیاسی بیش نخواهد بود.

کتاب‌نامه

- آبرامز، لین (۱۳۹۷). *نظریه تاریخ شفاهی*. ترجمه علی فتحعلی‌آشتیانی. تهران: سوره مهر.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۸). *درآمدی بر تاریخ پژوهی*. ترجمه‌ی: دکتر مسعود صادقی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشگاه امام صادق (ع). ج ۴.
- دوس، فرانساوا (۱۳۹۶). *تاریخ تکه‌تکه*. ترجمه: عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی. تهران: سمت.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۶). «اهمیت و جایگاه رویکرد شفاهی در مطالعات تاریخی». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۱۸. اسفند ۱۳۸۶. صص ۱۶-۲۵.
- ریچی، دونالد (۱۳۸۷). «مسأله روش در تاریخ شفاهی». ترجمه: اردلان جوادی. *رادیر مهر*. ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران. سال دهم، شماره ۶۳. صص ۱۲۶-۱۴۲.
- شارپلس، ربکا (۱۳۹۴). «تاریخچه تاریخ شفاهی». ترجمه: فرحناز اسماعیل‌بیگی. در: *تاریخ شفاهی*. سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی جمهوری اسلامی ایران - پژوهشکده اسناد. صص ۹-۳۶.
- صفری، روح‌اله، (۱۳۹۱). *تاریخ شفاهی مهاجران افغان در اصفهان (با تکیه بر کارکردهای آموزشی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی. گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی.
- کاظمی، محسن (۱۳۸۸). *یادداشت‌های سفر شهید صیاد شیرازی*. تهران: سوره مهر. چ چهارم.
- کاظمی، محسن (۱۳۹۷). *شب‌های بی‌مهتاب*. خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی. تهران: سوره مهر. چ هفتم.
- کاظمی، محسن (۱۳۹۸). «تاریخ شفاهی کرونا». خبرگزاری تسنیم.

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۲۱۱

گریل، رونالد جی. (۱۳۹۶). «تاریخ شفاهی شاهدهی در تاریخ». ترجمه: فرحناز اسماعیل بیگی. در: *تاریخ شفاهی*. سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶. پاییز و زمستان ۱۳۹۶. سازمان اسناد و کتابخانهی جمهوری اسلامی ایران - پژوهشکده اسناد. صص ۱۳-۵۳.

مختاری، مجید (۱۳۹۸). *تاریخ شفاهی دفاع مقدس: روایت احمد غلامپور*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.

نورائی، مرتضی (۱۳۹۲). «تاریخ شفاهی؛ افقها و انتظارات». کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*. شماره ۱۸۰. اردیبهشت ۱۳۹۲. صص ۲-۶.

“Projects”, August 2013, <http://oral.history.ufl.edu/projects/>, (Accessible: 01/07/2014).

ACRPS Conference Announcement. “Oral History: Concepts, Methods, and Research Agendas in the Arab Context”. https://www.dohainstitute.org/en/lists/ACRPS-PDFDocumentLibrary/Oral_History_Concepts_Methods_and_Research_Agendas_in_the_Arab_Context.pdf. (Accessible: 12/06/2020).

Bornat, Joanna (2012). ‘Oral History and Qualitative Research’. *TIMESCAPES METHODS GUIDES SERIES*. Guide No. 12

Christian, Wright & Bush, Jacob (2020), “The Covid-19 Oral History Project”, https://scholarworks.moreheadstate.edu/covid_oral_history_project/, (Accessible: 14/01/2021).

Danielson, Larry (1980). “The Folklorist, the Oral Historian, and Local History,” in *Oral History Review*.

Dunaway, D. K. (1996). “The Interdisciplinarity of Oral History.” In D. K.

EKU Libraries, “Special Collections & Archives: Share How COVID-19 Impacts You”, <https://libguides.eku.edu/share-covid-impacts>, (Accessible: 10/10/2020).

Griffin, T. (June 1989). “Is History Dead? Old Debate Gains New Life.” *The University Report*, University of Washington, 4.

Lagrand, James (1997). “Whose Voices Count? Oral Sources and 20th Century American Indian History,” in *American Indian Culture and Research Journal* 21:1 (1997).

Lopez-Villafana, Andrea (2020), “Oral histories will be stored at the UC San Diego library in 2021”. <https://www.sandiegouniontribune.com/communities/san-diego/story/2020-04-30/oral-histories>, (Accessible: 07/02/2021).

Lynn, Theo (2020), “The Irish COVID-19 Oral History Project”, <https://covid19oralhistory.ie/>, (Accessible: 16/11/2020).

McCubbin, Carol (2010). 'Oral history as a research methodology: advice and guidance'. <https://www.healthcare.ac.uk/oral-history-as-a-research-methodology-advice-and-guidance/>. (Accessible: 2019/08/14)

Mucke, Pavel (2013). “THE PLEASURES AND SORROWS OF CZECH ORAL HISTORY (1990–2012)”. *Oral History Journal of South Africa* VOL 1 • NO 1 • 2013. pp 111–130 (Received by M. Kazemi. 19/06/2015).

- Nishimoto, Warren (2007). "Introduction: Oral History in Educational Research". *Educational Perspectives*, Volume 40. Number 2. College of Education, University of Hawai 'i at Mānoa.
- Oral History Society, "Advice on oral history interviewing during the Covid-19 pandemic", <https://www.ohs.org.uk/advice/covid-19/>, (Accessible: 10/10/2020).
- Passerini, L. (1979). 'Work, Ideology and Consensus under Italian Fascism'. *History Workshop Journal*, (8), 82-108.
- Portelli, A. (1991). *The Death of Luigi Trastulli, and Other Stories: Form and Meaning in Oral History* SUNY Series in Oral and Public History. Albany: State University of New York Press.
- Schwarb, John (2020), "Personal stories of COVID-19 recorded by IUPUI graduate students in IAHI oral history project", <https://news.iu.edu/stories/2020/04/iupui/inside/08-personal-stories-covid-19-iahi-oral-history-project.html>, (Accessible: 05/09/2020).
- Springer, Kimberly (2020), "Interested in contributing oral histories of the COVID pandemic?" <https://blogs.cul.columbia.edu/rbml/2020/04/15/covid-oral-histories/>, (Accessible: 12/09/2020).
- Thompson, P. (1988). *The Voice of the Past: Oral History*, Oxford, Oxford University Press, 1988 (second edition) by permission of Oxford University Press. In: Perks, Robert & Thomson, Alistair (1998). *The oral history reader*. London and New York: Routledge.
- University of Kentucky (2014), "Docudrama Brings 'Voices of Student Veterans' Alive across Kentucky", <https://www.newswise.com/articles/docudrama-brings-voices-of-student-veterans-alive-across-kentucky?sc=rsln>, (Accessible: 07/02/2021).

Interview:

- Allen, Barbara C. Interviewed by M. Kazemi. 10/06/2015.
- Barland, Ryan. Interviewed by M. Kazemi. 22/06/2015.
- Bruley, Sue. Interviewed by M. Kazemi. 01/06/2015.
- Candida Smith, Richard. Interviewed by M. Kazemi. 08/07/2015.
- Custance, Mike Interviewed by M. Kazemi. 14/07 /2015.
- Dombrowski, Diana. Interviewed by M. Kazemi. 09/06/2015
- Dunnavant, Justin. Interviewed by M. Kazemi. 13/06/2015.
- Gray, Judith. Interviewed by M. Kazemi. 01/06/2015.
- Hannan, Leonie. Interviewed by M. Kazemi. 29/05/2015.
- Kneitz, Peter. Interviewed by M. Kazemi. 30/05/2015.
- Lev, Lawrence. Interviewed by M. Kazemi. 26/05/2015.
- Lichtblau, Albert. Interviewed by M. Kazemi. 01/06/2015.
- Lubar, Steven. Interviewed by M. Kazemi. 06/06/2015.
- McCartney, Leslie. Interviewed by M. Kazemi. 23/05/2015.
- Medrano, Manuel. Interviewed by M. Kazemi. 26/05/2015.
- Polsky, Debra. Interviewed by M. Kazemi. 27/05/2015.

کارکرد تاریخ شفاهی در انعکاس صدای طبقات اجتماعی خاموش (محسن کاظمی و دیگران) ۲۱۳

Raeburn, Bruce Boyd. Interviewed by M. Kazemi. 20/06/2015.

Schultz, Elizabeth. Interviewed by M. Kazemi. 09/06/2015.

Shafaie, Shirin. Interviewed by M. Kazemi. 06/07/2015.

Stave, Bruce M. Interviewed by M. Kazemi. 19/06/2015.

Vay, Robert L. Interviewed by E-Mail on 20/06/2015.